در آیینی صورت گرفت؛

برگزاری همایش بزرگ شاهنامه خوانی دانش آموزی در کازرون

در آیینی باشکوه همایش بزرگ مسابقه مرحله پایانی شاهنامه‌خوانی دانش آموزی در کازرون برگزار شد. معاون آموزشی اداره آموزش و پرورش کازرون امروز در حاشیه همایش بزرگ شاهنامه‌خوانی دانش آموزی که با حضور جمعی از فرهنگیان، مسئولان دستگاه‌های اجرایی و اعضای شورای اسلامی شهر کازرون در زورخانه مولای متقیان(ع) این شهر برگزار شد در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در کازرون اظهار داشت: اجرای نقالی شاهنامه توسط دانش آموزان منتخب دختر و پسر مقطع متوسطه (۱ و ۲) چهار دوره است که در کازرون برگزارشده و دو دوره آن در زورخانه انجام گرفته است. کاظم عباسی هدف از برگزاری نقالی شاهنامه توسط دانش آموزان در زورخانه را آشنایی بیشتر نسل جوان به مرام و منش، سخاوت و جوانمردی پهلوانی عنوان کرد و گفت: شاهنامه‌خوانی و اهمیت به ادبیات حماسی، تعلیمی، اخلاقی و حتی عرفانی، جوانان و نوجوانان را تشویق به پاسداشت هویت ملی و تاریخی این مرزوبوم پرگوهر می کند.

وی بابیان اینکه هیچ دیوان اشعاری به‌اندازه حجم شاهنامه تاکنون توسط شاعران سروده نشده است تصریح کرد: فردوسی از جان و مال خود درراه جمع آوری تاریخ و هویت ملت ایران کوشید تا با معرفی الگوهایی مانند رستم، طوس و گودرز و ... سند افتخاری برای این ملت به‌جای گذارد.

معاون آموزشی اداره آموزش و پرورش کازرون ادامه داد: فردوسی در دیوان ارزشمند شاهنامه ضمن به نظم کشیدن حماسه و دلاوری‌ها، آموزه‌های اخلاقی ازجمله "کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک" را به‌عنوان خصایص پسندیده و افتخاری سترگ و غرور ملی ایرانیان در شاهنامه جاری و ساری می‌سازد. عباسی، دروغ، چاپلوسی و تظاهر را امری ناپسند در شاهنامه عنوان کرد و از دانش آموزان خواست برای آشنایی بیشتر درباره زندگی‌نامه و گوشه‌هایی از مهم‌ترین شاهکارهای حماسی و آموزه‌های اخلاقی این شاعر بزرگ کشورمان به تحقیق و بررسی بپردازند.

وی در پایان گفت: در این همایش ۱۶ دانش آموز دختر و پسر کازرونی منتخب در مقطع متوسطه (۱ و ۲) در مرحله پایانی در امر نقالی شاهنامه‌خوانی به رقابت پرداختند که با اعلام نظر داوران به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود.

به گزارش فارس، همایش بزرگ شاهنامه‌خوانی دانش آموزی همراه با ضرب مرشد زورخانه در فضایی حماسی و پهلوانی در گودزورخانه به اجرا درآمد.

نیلوفر پورحسینی مقام سوم قهرمانی مسابقات تکواندو آسیا در چین تایپه را کسب نمود

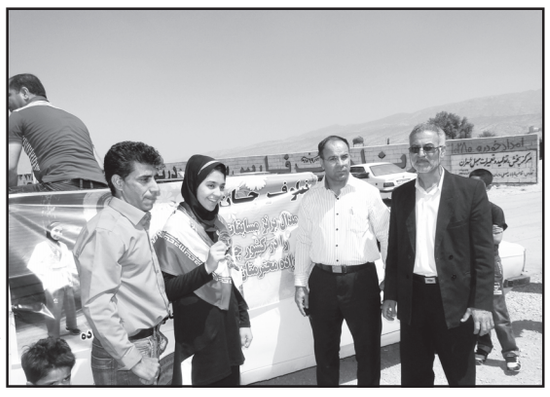

سرویس خبری /علیرضا گلچین:

نیلوفر پورحسینی مورد استقبال مردم ورزش دوست قائمیه کازرون قرار گرفت.

پورحسینی در مسابقات قهرمانی تکواندو نوجوانان آسیا که عنوان برنز قهرمانی آسیا در چین تایپه به گردن آویز نموده بود با حضور رضا صداقت رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان کازرون، حامد محمدی نماینده تربیت بدنی این بخش با شیرینی و شربت و اهدا گل و هدیه مورد استقبال قرار گرفت.

صداقت رئیس اداره ورزش و جوانان ضمن تقدیر و تشکر از تلاش و زحمات این دختر نوجوان از حمایت ها و همکاری همه جانبه پدر و مادر به ویژه پدر نیلوفر که خود از پیشکسوتان تکواندو می باشد و مربیان و مسئولین ورزش بخش، شهرستان و استان را تأثیرگذار دانست.

وی این را یکی از افتخارات ورزشی شهرستان دانست و ابراز داشت که پتانسیل‌ها و توانایی های بانوان ما کمتر از مردم ورزشکار نیست.

کازرون می تواند یکی از قطب های مهم ورزش کشور در رشته های گوناگون باشد.

صداقت رئیس اداره ورزش و جوانان کازرون از محمدی نماینده بخش تربیت‌بدنی بخاطر برنامه ریزی از استقبال این دختر نوجوان و مردم خوب و فهیم بخش قائمیه بویژه رزمی کاران و اساتید ورزش این بخش تقدیر نمود.

نمایشگاه انفرادی عکس آثار محمد هاشم دهقان در محل نگارخانه پرنیان برگزارشد

مراسم افتتاح هفتمین نمایشگاه انفرادی عکس آثار محمد هاشم دهقان با حضور جمعی از هنرمندان در محل نگارخانه پرنیان برگزار گردید.

در این نمایشگاه ۳۰ عکس رنگی با موضوع طبیعت شهرستان و آرامگاه سعدی به مدت یک هفته برای بازدید عموم علاقه مندان دائر خواهد بود.

لازم به ذکر است استاد دهقان متولد سال ۱۳۲۷ در شهر کازرون و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است که از دوران دبیرستان علاوه بر نقاشی به عکاسی علاقه مند بود و در ابتدا با یک دوربین ساده شروع به عکاسی کرد و تا کنون ۷ نمایشگاه انفرادی در کازرون و یک نمایشگاه در استهبان و فرهنگسرای خاوران تهران داشته اند و آثار ایشان بیشتر با موضوعات طبیعت ، اماکن مقدس ، امامزاده ها ،مستند اجتماعی ، مشاغل ، حج و.... میباشد .

دکتر مومن زاده رییس مرکز آموزش علمی کاربردی کازرون:

کسب مهارت، کارآفرینی و اشتغال زایی از اهداف عالیه نظام مهارتی دانشگاه جامع علمی کاربردی است

بنا به گزارش روابط عمومی مرکز آموزش علمی کاربردی کازرون، جلسه توجیهی دانشجویان جدیدالورود مرکز مقاطع کاردانی و کارشناسی در سالن اجتماعات مرکز کازرون برگزار گردید.

در این جلسه دکتر مومن زاده رییس مرکز ضمن عرض تبریک و خوشامدگویی دانشجویان را تشویق و ترغیب به کسب مهارت های لازم، کارآفرینی و اشتغال زایی در جهت پیشبرد اهداف عالیه نظام مهارتی دانشگاه جامع علمی کاربردی نمود. در ادامه مدیران مرکز آئین نامه ها و دستورالعمل های دانشگاه در اختیار دانشجویان قرار دادند.

برگزاری مسابقات شطرنج جام فروردین ماه۹۴

به میزبانی هیات شطرنج اداره ورزش و جوانان شهرستان کازرون

هیات شطرنج اداره ورزش و جوانان شهرستان کازرون مورخ ۲۷ الی ۲۸ فروردین ماه اقدام به برگزاری مسابقات شطرنج جام فرودین ماه به مناسبت روز ارتش با حضور جمع کثیری از شطرنج‌بازان برتر شهرستان ونمایندگانی از نورآباد و قائمیه با داوری سرکار خانم عابدی نمود.

صمد محمودی رئیس هیات شطرنج شهرستان در گفتگویی اظهار داشت: این جام با همکاری رضا صداقت رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان،تلاش بازیکنان جوان و آینده دار، حمایت و حضور پیشکسوتان در ۹ دور به روش سوئیسی با سطح کیفی و کمی مطلوب برگزار شد. وی اضافه نمود در سال جدید روند پیشرفت هیات بر اساس برنامه ریزی مدون ، تعامل و همکاری با هیات شطرنج استان ،ادارات و ارگانهای مختلف ادامه خواهد یافت ایشان حضور در مسابقات لیگ شطرنج استانی،مسابقات بزرگ جام رمضان، برگزاری لیگ رده سنی شهرستان ،برگزاری مسابقات ریتد ،برگزاری مسابقات به مناسبت‌های ملی و مذهبی را از برنامه های آتی هیات شطرنج خواند در پایان مقام های برتر مسابقات را به قرار زیر اعلام نمود:

مقام اول: صمد محمودی ،مقام دوم: وحید پردل، مقام سوم: حسین رفیعی نیا ، بهترین بازیکن بالای ۵۰ سال حمید امیدی ،بهترین بازیکن زیر ۱۲ سال علی غیوری فر.در پایان از طرف هیات شطرنج جوایز ارزنده ای به نفرات برتر اعطا گردید.

شایان ذکر است مسابقات هفتگی جمعه ها راس ساعت ۹:۳۰ و مسابقات پایان ماه در آخرین هفته هر ماه برگزار می گردد.

کمک ۱۰۰میلیون ریالی نیکوکار کازرونی به مردم مظلوم یمن

مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان کازرون از کمک ۱۰۰ میلیون ریالی نیکوکارکازرونی به مردم مظلوم یمن خبر داد.

به گزارش روابط عمومی کمیته امداد شهرستان کازرون، پرویزشفیعی اظهار داشت:این نیک اندیش خدا جو با حضوردر کمیته امداد این شهرستان مساعدت خود را به مردم مظلوم وستمدیده یمن تقدیم کرد.

مدیر کمیته امداد شهرستان کازرون با اشاره به جنایات رژیم آل سعود در یمن و محکوم کردن آن افزود:کمیته امداد شهرستان کازرون آمادگی خود را برای دریافت کمک‌های مردم متدین و نوع دوست شهرستان اعلام کرده و در همین راستا پایگاه‌های ثابت و سیار در سطح شهرستان کازرون،خشت وکمارج ،قائمیه وبالاده برپا و آماده دریافت کمک های مردمی است.

وی همچنین با اشاره به برپایی پایگاه‌هایی در مصلی‌های برگزاری نماز جمعه گفت:تاکنون ۱۲۰ میلیون ریال کمک نقدی از این پایگاه ها جمع آوری شده است.

شفیعی همچنین از مشارکت کارکنان امداد دراین امرخداپسندانه خبر داد و گفت: دفاتر کمیته امداد در سطح شهرستان‌ها و مراکزنیکوکاری آماده دریافت کمک‌های مردم ننوع دوست کازرون در حمایت از مردم مظلوم یمن است.

بهشت هایی که جهنمشان می کنیم

☑دکتر بهادر باقری-دانشیار زبان و ادبیات فارسی-دانشگاه خوارزمی تهران

جنگل ها را کویر مطلق کردیم — دریـــا هـا را آینه دق کردیم
این گوی زمرّدین سبـــز آبی را — یک کیسه زباله معلق کردیم

در برگ های سبز سرآغاز تقویم سال، یکی از روزهای تعطیلات نوروز امسال در مسیر سفر به جنوب کشور، به تفریحگاه شگفت انگیز و چشم نواز تنگ چوگان در نزدیکی شهر زیبای کازرون رسیدیم. رشته کوه‌های بلندبالای پوشیده از درختچه ها و بوته های سبزاسبز و روحنواز و دشت و دامن جانبخش و هوای رشک بهشت فروردین، جان و جهان آدمی را جلا و جلوه می بخشید و روح و ریحانی تازه در کالبد کرخت هرکس و هرکجا می دمید. عطر بکر و وحشی و بی مانند علف های کوهی و صحرایی و فرش زمرّدین سبزه زاران، آیتی بود از کرامت خداوندگار زیبا و زیبایی پسند.

نسیم شوخ و شنگ نوبهاری عشوه می فروخت و مشک و عنبر بر آتش شوق زمین می سوخت. درخت ها خلعت نوین و رنگ رنگ بهارانه بر تن کرده بودند و جوانه ها از تن تازه بیدار شده آن ها سرک می کشیدند و شکوفه ها عطر می پراکندند و عبیر می بیختند. باران دوشینه، زمین و زمانه را شسته بود و گویی سبزین زمین و آبی آسمان را به هم دوخته بود و به قول خواجه رندان:

هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد

اما ای کاش این توصیف و تعریف به همین گزاره های شاعرانه و تر و بهتر از این ها پایان خوشی می یافت و آنچه در پی می آمد، هرگز نمی آمد! چشمانتان روز بد مبیناد! چشمانتان بهشتی در کالبد دوزخ درآمده را هرگز مبیناد! می خواستم بگویم "برخی" اما شوربختانه باید گفت "بیشتر" هم وطنان نازنینی که به این خط سرسبز آمده و بی تردید، با خاطراتی خوش و خَرم بازگشته بودند، با کوهه هایی از زباله چشم گداز و مشام آزار و روح خراش، جای جای این اهورایی خاک را زخم جفا زده و آزرده بودند و رفته بودند. راستی را به یاد آن جمل جانگداز آن مرد بخارایی جان سالم به دربرده از ایلغار خونریز چنگیز افتادم که سوگمندانه گفته بود: آمدَند و کندند و سوختند و ... رفتند.

اگر پیش از این می گفتیم: دیگران کاشتند و ما خوردیم؛ اکنون باید گفت: دیگران کاشتند و ما کُشتیم! دریا و جنگل و سبزه زار و کوه و کوهپایه و چشمه و نهر و رودخانه ای نیست که از بی مهری ما دژم نباشد. راستی را به کجا چنین شتابان؟

باری، تنگ چوگان عزیز را می گفتم که معصومانه و مظلومانه، دلتنگ طراوت خدشه دار خویش شده بود؛ لا به لای هر سبزه و بوته ای، زیر هر دار و درختی، کنار هر چشمه ساری، در جوار هر گلی وحشی، گونه گونه ظرف های پلاستیکی و ته مانده خوراکی ها و کنسروها و میوه ها و پس ماندها، رها شده بود و بر خوان ناخجسته هر زباله ای، خیل مگسان و مورچگان و کرم ها ولوله داشتند. دوستانَ من! لاله کجا و زباله کجا! هجوم این همه ناپاکی به این همه پاکی و زیبایی چرا؟ این فاجعه هر دل نازک و روشنی را به گریه وامی داشت.

این نه نخستین و نه واپسین میدان حسرت بار و جانشکاری بود که دیده بودم. پیش از این نیز لاهیجان و دامنه های شیطان کوهش را و کناره های دریای مازندران را و قدمگاه سده در اطراف اقلید فارس را و دیگر اقلیم ها و کوه ها و دشت های این کشور دَیرسال و فرهنگ ساز و فرهنگ دوست را چنین جفا دیده و آلوده یافته بودم و دریغ خورده بودم که چرا چنین؟ چرا چنین بی رحمانه به جان آب و خاک و سبزه و دار و درخت و برگ و بار افتاده ایم و چشم انداز تفرجگاه هایمان را اینسان پلید و پلشت و پریشان وامی گذاریم و می رویم؟

چرا این همه به طبیعت و به خود و دیگران بی اعتناییم؟ چرا به فرزندانمان نیاموخته‌ایم که نباید اینچنین باشیم. که به جایی که گلی بوییده ایم و نفسی از سر شوق و شور و شادمانگی کشیده ایم و بار خستگی و ماندگی و ملال از شانه دل بر زمین نهاده ایم، احترام بگزاریم و بدانیم که پس از ما هم نوعان ما خواهند آمد و باید زشتی و زنندگی یادگارهای ناشایست ما را برتابند.

دوستان! جای هیچ درنگی نبود. برخاستم و با تنی چند از افرادخانواده و خویشان، به گردآوری زباله ها روی آوردیم و ساعتی بعد، چندین و چند کیسه زباله بزرگ و انبوه از چهره فریبای تنگ چوگان زدودیم و در جایگاه ویژه پس ماندها نهادیم. مردمی که آنجا اطراق کرده بودند اما چند دسته بودند. برخی ما را گرم و صمیمانه سپاس گفتند و دعای خیر خویش را روانه راهمان کردند. دسته ای دیگر، از بی توجهی و بی مبالاتی مردم و مسئولان گله ها داشتند و سخن ها گفتند زلال و نیک و ژرف. اما تنها یکی دو نفر پیش آمدند و ما را در این عملیات پاکسازی و نجات طبیعت یاری کردند. شگفتا که ما قهرمانان میدان فصاحت و بلاغت و شعر و شعاریم و سده هاست که از سعدی بزرگ نیاموخته ایم که: "به عمل کار برآید به سخندانی نیست"!

دیده‌ام این سوی و آن سوی کشور، گروه‌های نازنینی از مرد و زن و پیر و جوان با نام نامیِ "رفتگران طبیعت" که بی هیچ مزد و منت، کمر همت محکم می بندند و با هم به پاکسازی طبیعت زخم دیده و ستم کشیده روی می آورند و صورت لطیف دشت و دمن را از کثّافت به جای مانده از بی توجهی من و ما می زدایند. دستشان را برادرانه و فرزندانه می فشارم و به همت و عشق پاکشان درودها می فرستم و امیدوارم این فرهنگ زیبا و ارجومند، روز به روز گستره پهناورتری از جوانان و نوباوگان را در بر گیرد. و نیز امیدوارم روزی روزگاری یکایک ما چنان به شهر و دیار و طبیعت خویش احترام بگزاریم که دیگر نیازی نباشد، دیگری جور ما را بکشد و جفای ما را جبران کند.

راستش خواستم با این درد نوشته صادقانه و بی ریا به خود و دوستان و خوانندگان گران ارج این یادداشت، یادآوری کنم که یکی از معیارهای سنجش رشد و توسعه هر جامعه و ملتی، نوع برخورد آن با طبیعت است.

تردیدی نیست که شهرداری ها و مسئولان مربوط، توان و ظرفیت و فرصت محدودی دارند و نخست خود ما باید به پاکیزگی و نظم و زیبایی چشم اندازهای هوش ربای طبیعت و شهر و جاده و کوه و کمر بیندیشیم. کاش اینقدر شعار ندهیم و تنها به نقد و اندرز و حواله کردن مشکل به این و آن عامل بسنده نکنیم. کاش نخستین مقصر را خویشتن خویش بدانیم و گریبانش را بگیریم.

کاش جایی که باید دست بالا زد و زیبایی و پاکیزگی و آراستگی را و در یک کلام زندگی و برازندگی را نجات داد، درنگ نکنیم. به فرزندانمان زندگی در جمع و جامعه و لزوم رعایت حال دیگران و لزوم پاسداشت طبیعت را بیاموزیم. با طبیعت، این ودیعه گرانسنگ و بی بدیل خداوندی مهربان تر باشیم. با طبیعت آشتی کنیم. بکری و زلالی و پاکی و آراستگی اش را به یک دم نیالاییم و "آب را گل نکنیم..." در پایان خوب است تلخی این گلایه را با شیرینی ابیاتی بلند از مولانای والامقام شیرین کنم:

جمله ذرات زمین و آسمان — با تو می گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم — با شما نامحرمان ما خامشیم
چون شما سوی جمادی می روید — محرم جان جمادان کی شوید؟

تجزیه و تحلیل یک فتوا

قسمت سوم

محمد جعفر مبصری

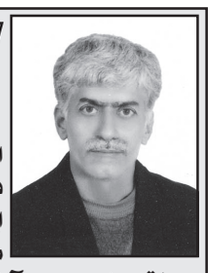

اشاره : با توجه به چاپ قسمت اول این مطلب در سال ۹۳و چاپ قسمت دوم در شماره قبل، اینك قسمت سوم آن حضور علاقمندان تقدیم می‌گردد.

عواقب غصب در آخرت

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

"هر کسی یک وجب از زمین دیگری غصب کند خداوند در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق بر گردن او می اندازد".

هم چنین روایت شده است:"اگر کسی به همسایه اش به اندازه یک وجب زمین خیانت کند خداوند آن را از قعر زمین هفتم به گردن او می اندازد تا خدا را در چنین حالتی ملاقات کند مگر اینکه از گناهانش توبه کند یا بر گردد"

و باز فرموده اند :اگر کسی بدون حق زمینی را بگیرد ،او را وادار می کنند که خاک آن زمین را تا محشر حمل نماید" (رساله آیت الله بهجت بخش غصب ص ۴۰۳)

خوانندگان گرامی جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد غصب وغاصب و جنبه های قانونی آن می توانند به کتاب وقایع حقوقی ومسولیت مدنی "بخش دوم مراجعه کنند.

عواقب غصب در دنیا

چون غاصب ظالم است وخدا در قرآن فرموده است ظالمین را هدایت نمی کند پس غاصب از هدایت شدن محروم است وکسی که از هدایت خدا محروم شود نه تنها از هدایت محروم می شود بلکه این محروم شده از هدایت تبعات بد دیگری هم دارد که قهر وخشم خدا می تواند یکی از آنها باشد.

مرگ های زود رس ،ناگهانی،درد ورنج وبیماری های لا علاج ،افزایش هزینه‌های زندگی ،غم،مصائب سخت،بی برکت شدن در آمد ،فرزند ناصالح می‌توانند از تبعات حرام خواری باشند که در آمد از راه غصب از نمونه‌های بارز آنست .

رسول خدا (ص) فرمود به من امر شد که قوم خود را بترسان وبگو : داخل نشوید در خانه ای از خانه های من (یعنی مسجد)وحال آنکه برای بنده ای از بندگان من حقیّ نزد شما باشد که به او ظلم نموده اید .به درستی که تا در محضر من به نماز ایستاده‌او را لعنت میکنم تا آن حق را به صاحبش بر گرداند ونیز فرمودخدای را مَلکی است که هر شب بر بیت المقدس ندا در می دهد : هر کس حرامی بخورد هیچ عملی از او نمی پذیرد نه واجب نه مستحب (گناهان کبیره ص ۲۸به نقل از عدّه الدّاعی)

حرام خواری برکت را از مال می برد چنان که از حضرت صادق(ص)روایت است:کسی که مالی را از راه غیر مشروع بدست آورد مسلط می شود بر او ساختمان وآب وگل (تا مال او را تلف کند) گناهان کبیره به نقل از بحار الانوار جلد ۲۳و سفینه البحارج۱ص ۲۹۸

حرام خواری مانع مانع قبولی عبادت می شود ورسول خدا (ص) می‌فرماید : هر گاه کسی لقمه حرامی بخورد وجزء بدنش بشود تمام ملائکه‌ی آسمان ها وزمین اورالعنت می کنند ونیز فرموده که عبادت کردن با حرام خواری مانند بنا کردن روی رمل است یعنی چنانکه بنا بدون شالوده‌ی محکمی خراب می شود وبنا کننده از آن بی بهره است عبادت کسی هم که از حرام پرهیز نمی کند فایده ای نمی بخشد. (گناهان کبیره ص ۴۰۵)

رسول خدا می فرماید :کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی شودو تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گرددوهر گوشتی که در بدن او از حرام روییده شود پس آتش به آن سزاوارتر است و جز این نیست که یک لقمه هم گوشت را در بدن می رویاند . (گناهان کبیره به نقل از سفینه البحارص۱ ص ۲۴)

حرام خواری قساوت قلب می آورد:

خوارکی که انسان می خورد به منزله بذری است که در زمین ریخته می شود پس اگر آن خوراک پاکیزه وحلال باشد اثرش در قلب که به منزله سلطان بدن است از رقّت و صفا ظاهر می شودواز اعضا وجوارحش جز خیر ونیکی ترواش نمی کند و اگر خوارک پلید وحرام باشد قلب را کدر وتیره نموده و در قساوت وظلمت امید خیری به او نخواهد بود وپندو اندرز در او اثر نمی کند و سخت ترین مناظر رقّت بار،اورا متاَثر نمی کند چنان که حضرت سیدالشهدا به لشکریان پسر سعد ضمن خطبه اش فرمود "شکمهایتان از حرام پر شده وبر دلهایتان مهر خورده دیگر حقّ را نمی پذیرد وای برشما آیا انصاف نمی دهید آیا گوش فرا نمیگیرید"

با لجمله خوراک حرام قلب را سخت وتاریک نموده آنگاه از پذیرفتن وتسلیم برای هر حقی خودداری می کند واز هیچ اندرزی متاَثر نمی شود بلکه دیگر از هیچ جنایتی روی گردان نیست.

در حالات شریک بن عبدالله قاضی نوشته اند در ابتدا فقیه با ورعی بود تا وقتی که مهدی عباسی او را احضار کرد و او را مجبور نمود که یکی از این سه کار را بکند یا منصف قضاوت را بپذیر یا معلم ومربی اطفال خلیفه شود یا یک مرتبه از طعام خلیفه بخورد شریک خوردن طعام را اختیار کرد و آنرا نسبت به دو کار دیگر سهل شمرد.

خلیفه به آشپز مخصوص دستور داد انواع متعدد از خوراکی های لذیذ تدارک کند چون شریک از آن خورد آشپز مزبور گفت شریک پس از خوردن این طعام رِستگار نخواهد شد وهمان طور هم شد زیرا آن لقمه های حرام چنان در او تاَثیر کرد که دو کار دیگر را هم پذیرفت هم قاضی شد وهم مربی اطفال خلیفه .گویند وقتی حواله ای داشت ودر گرفتن آن ازبیت المال سخت گیری می کرد خزینه دار می گفت تو به ما گندمی نفروخته ای که در گرفتن آن چنین می کنی گفت بلی بزگتر از گندم فروختم و آن دین خودم است .

چه شیرین گفته جناب بهلول وقتی که از طرف هارون خوان طعامی برایش آوردند و آنرا رد کرد ونپذیرفت ، گماشتگان خلیفه گفتند هدیه خلیفه را نمیتوان برگردانید پس به سگ هایی که در آن نزدیکی بودند اشاره کرد فرمود جلو آنها بگذارید تا بخورند .گماشتگان خلیفه سخت بر آشفتند و گفتند به هدیه خلیفه توهین کردی بهلول گفت آهسته حرف بزنید که اگر سگ ها بفهمند این طعام خلیفه است آنها هم نخواهند خورد.

ادامه دارد